

بحران سازي؛ هم استراتژي، هم تاکتيک



ساعت 3 و 37 دقیقه و 26 ثانیه بامداد است. نگاه آینه تکثیر ثانیه را به تماشا نشسته است، و زمان بی هیچ عاطفه ای بودن ما را میپیماید. آنسوی آینه هم حکایتی دیگر نضج می گیرد. شوری زیبا و عجیب بر گرد گردی وجود و چهارگوش سفره ی اینک پر سین سادگی و سیزی شرر می ریزد. چه می گویم؟ اینها راز های گشوده رمز جاودانگی مردم من است. راز، چه هیچ سامانی جز این سامان نمای پیر و کهن لذت این هم آوازی سال و سن و سیزی و سیالیت بی سکون را همه، با هم ندارد حتی درک نمی کند و گشوده، که ماهمه می دانیم اینهمه را؟ لیک از میان سطور خاطرات پیران قوم و اقوام پیر. آری! نوروژ آمد، به هیبتی که هزاره ها را درنور دیده است، به قامتی که سیزی نمودش جلوه بی بقایبی سردی دیچور سروده است و به آراستگی برگ، برگ بی هماورد بهارش «سیز و فسون».

اینک اما بهار به ساحل آرام رسیده است، بی آنکه ما را آرامش ساحل زاده باشد، بی سیزی سبزه های آزادی بر کران بینهایت اندیشه، حیات و حتی مرگ. گونه گون است خیال افسونش؛ به شاخ و برگ درخت، به ناز گل به عشوه هزار و قرار هزار، هزار بی خیالی عریان مستی اش.

مارا اما خیال مستی و سر مستی از سر مدهوشی مان سالها زین پیش و در میانه تنگ پویش و سربرآوریمان و در تنگنای بی تدبیری پدرانمان پرید و امروز دیگر به سال بیست و چند، نه چند سالی بیش گذشته از رویشمان، نوروژ اگرچه به سنتی پاک و کهن برایمان عزیز است و ایستد، اما هرگز نمایش روزی نو نیست، چه در حیات بی ثمریمان زورق امید سنگین به گل نشسته است.

گمان نمی برم حس و حال من بر سر سفره هفت سین و سال تحویل، چندان غریبه با احوال آنانی بوده باشد که سری در اخبار و دلی در احوال سیاسی سرزمینمان دارند. چهره خطر را در آینه ی نشسته بر دل سفره هفت سین سال 86 بیش از خیال ها و امیدهای خوشی که سالیان قبل در بهت آینه دلان نقش می بست می دیدم. توپ ها غریدند و دلم ریخت، نکند آوار جنگ بر سر ایرانمان فروریخته باشد؟ خودم را سرزنش می کنم... این چه تلقین شومیست؟ ...

اما چه می توانستی کرد؟ گویا دلان از عقلمان جلو افتاده است.

باری! این روزها سخن از جنگ بسیار می رود. سرمان هیچ در سکر بهار در نرفته است. میراث دار نوروژ، سرزمین کهن ایران به شهادت اخبار و آمار، می رود تا به دامن جنگی بنیان سوز در غلند. سخن از جنگ رفت. در ادبیات سیاسی، جنگ همواره در نقطه پایان گفتمان، آغاز می شود. جنگ البته نمود واحدی ندارد، چه برخلاف قرن های خالی از انحصارگری های سرمایه و سرمایه داری، که جنگ با خون مرادف بود، بشر امروزی تجربه جنگ سرد را نیز در فایل تاریخ ذهن خویش ذخیره کرده است. جنگی که همچنان، نه بر سیاق سابق برپای است، تا کی ببیند!

به هر روی سخن از جنگ است. از آتش جنگ، که گویی مشیت بالغه خداوندگاران سرمایه داری و پیامبران ایرانی ایشان بر آن قرار گرفته است تا جهالت قرون وسطایی و توحش فاندامنتالیستی و فنانیستی اربابان قدرت ایران را به ابزار توحش مدرن، با رنگ و لعاب آزادی و دموکراسی و اصالتی لیبرالیستی پایان دهد و آرامشی از جنس آرامش کودکان، زنان و مردان عراق یا افغانستان و امنیتی از همان جنس برایمان به ارمغان آورد. در این میان نقش سیاست ها و سیاست گذارهای جمهوری اسلامی حکایتی دیگر دارد.

بسیارند شمار کسانی که معتقدند بحران و محیط بحرانی مستعدترین محیط ادامه حیات ساختی از قدرت است که بر فراز ایدئولوژی داخلی خود اثری از مشروعیت نمی بیند. غالباً چنین ساخت هایی از قدرت را فاقد اقتدار بمعنای قدرت مشروع تعریف کرده اند. نمایندگان و مصادیق چنین تعاریفی در جهان کنونی روز به روز در حال فروکاهیدن هستند، چه مسیر تاریخ در حال گذر از شاهراه دموکراسی و قدرت مبتنی بر حقوق توده هاست. با تاسف بسیار یکی از این مصادیق نامبارک، ساختی از قدرت است که بر فراز جامعه کنونی ما از دولت همان هیبت هیولایی را نمایش می دهد، لویاتان افسار گسیخته ای که اگرچه ترسناک است، اما مهارناشدنی هم نیست.

پیش از این (۱۱ خرداد ۱۳۸۵) در مطلبی ذیل عنوان "انرژی هسته ای و «دیپلماسی بحران»" (۱) به شرح مفهومی پرداختم که اساس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی قرار دارد. در حقیقت "دیپلماسی بحران" که ظاهراً از سوی اراده حاکم نسخه مفیدی برای احوال داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در طول همه سالهای استفاده از آن، تشخیص داده شده است، در حال حاضر می رود تا کشور ما را به وضعیت خطرناکی چون جنگ مبتلا کند. در این میان هم پیالگی سران و سردمداران اقنوم سرمایه داری در این بدمستی سران جمهوری اسلامی نیز دل آزادی و دموکراسی که ابزار تثبیت اینان بوده است را خون کرده است. واقعیتی مهم و غیره قابل انکار که در مواجهه با این سیاست ها برجسته به نظر می رسد، قرار گرفتن "بحران" هم در جایگاه "استراتژی" و هم در جای "تاکتیک" برای جمهوری اسلامی است، به این معنا که جمهوری اسلامی در جهت حفظ و تداوم محیط بحرانی که اتمسفر مستعد برای بقای حاکمیت آن می باشد (بعنوان استراتژی حیاتی خود)، به صورت

پایای اقدام به ایجاد بحران های مختلفی در عرصه های داخلی و خارجی (بصورت تاکتیک عمل) می نماید . از آغازین سالهای شکل گیری جمهوری اسلامی چنین روندی قابل تشخیص می باشد . اگرچه اتخاذ این تاکتیک در بدو امر اندیشیده شده نبود، اما تجاربی که در پی بحران آفرینی های اعوان و انساب حزب جمهوری اسلامی در همان سالها بدست داده شد، مزه شیرین این تاکتیک را به سران جمهوری اسلامی چشاند . نقل این جمله از محمدعلی رجایی- دومین رئیس جمهوری اسلامی- خالی از لطف نیست که: "جنگ نعمت است، در سایه آن مسائل حل می شود" (2) نوع نگاه به مسائل از همان آغازین سالهای حیات جمهوری اسلامی موید این گفتار است که بحران سازی برای جمهوری اسلامی همواره یک استراتژی حیاتی بوده است که به کرات نیز بهره های لازم را از آن برده است .

حال و در شرایط کنونی در حالیکه تحولات و خیزش های گسترده اصناف و گروههای مختلف اجتماعی در واپسین روزهای سال گذشته شوکی بزرگ به جمهوری اسلامی وارد نموده بود، رویدادهای و تحولات حول دیپلماسی جمهوری اسلامی ما را بیش از پیش بر مسئله ادعا شده در سطور قبل تقویت می کند . در شرایطی که صدور دو قطعنامه علیه بحران آفرینی هسته ای جمهوری اسلامی به باور بسیاری ایران را قدمی به بحران جنگ نزدیک تر می کند، اقدام لجوجانه ی نیروهای سپاه پاسداران در بازداشت شماری از نظامیان بریتانیایی و متعاقب آن پخش اعترافات تعدادی از ایشان در رسانه های عمومی را هنگامی که در کنار مواضع تند و هماهنگ دولت انگلیس و اتحادیه اروپا قرار دهیم، به این نتیجه می رسیم که در مسئله وقوع جنگ و ایجاد بحرانی خونبار و تازه در قلب خاورمیانه، میان سران جمهوری اسلامی و قدرت های امپریالیستی جهانی به میزان زیادی هماهنگی و یکپارچگی وجود دارد . (وضع گروههایی از اپوزیسیون که جنگ را دروازه قدرت خود می دانند شرحی دیگر می خواهد) .

باری بر ماست که با درک شرایط کنونی و اصالت های اساسی در سیاست های جمهوری اسلامی ضمن آگاهی بخشی به هم میهنان، چشم و گوش جهانیان را نیز بر این مناسبت شوم باز و گشوده نماییم تا هم عصر فصل کثیف دیگری در تاریخ این سرزمین و حتی جهان نباشیم .

1- <http://azizi61.multiply.com/journal/item/34>

2- سیر تحول سیاست آمریکا در ایران، کتاب دوم، گروگانگیری، فصل 5، ص 10 . به نقل از کتاب؛ غریب، علی- ایستاده بر آرمان، انتشارات انقلاب اسلامی، دیماه 1385

یاسر عزیزی

10 فروردین 1386

منبع: <http://azizi61.multiply.com>